

«واکاوی و تحلیل کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی اثر سید حسین سیدی»

داود احمدی^۱

چکیده

نگارش در ارتباط با تاریخ ادبیات، در طول زمان دچار تحول شده است. این تغییرات باعث گوناگونی کتاب‌های تاریخ ادبیات و همچنین تنوع برداشت‌های ارائه‌شده در خصوص این کتاب‌ها شده است. هدف این پژوهش واکاوی و تحلیل کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی و مقایسه این اثر با کتاب‌های مشابه است. دلیل نگارش کتاب آقای سیدی، طرح پرسش‌ها و نقد تاریخ ادبیات نگاری در حوزه زبان و ادب عربی است، اما به نظر می‌رسد که نویسنده به بیان کلیات و مفاهیم و تعاریف ادبیات، ارائه نظریه‌های تاریخ ادبیات، بیان سیر تاریخ ادبیات نگاری و روش‌های تاریخ ادبیات نگاری و تأثیر خاورشناسان در این زمینه پرداخته است که الگو مطالب کتاب شباهت زیادی به کتاب‌هایی هم‌چون فی تاریخ الادب مفاهیم و مناهج تألیف حسین الواد و کتاب فلسفه الإستشراق وأثرها فی الأدب العربی المعاصر تألیف احمد اسماعیل لویچ و کتاب مناهج الدراسه الادبیه فی الادب العربی تألیف فیصل شکری است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کتاب‌های عربی تألیف شده نسبت به کتاب آقای سیدی پخته‌تر بوده و اثر آقای سیدی بیشتر نقل نکات عنوان‌شده کتاب‌های سه نویسنده مذکور بوده است. روش تحقیق در این مقاله بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و کتاب‌خانه‌ای است و سپس با روش تطبیق و مقایسه نسبت به مقایسه اثر با آثار مشابه مذکور اقدام شده است.

کلید واژگان: بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی، حسین سیدی، نظریه‌های تاریخ ادبیات، نقد تاریخ ادبیات نگاری.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

davood_ahmadi_۷۹@yahoo.com

۱-۱ بیان مسئله:

تاریخ ادبیات دانشی است که به بررسی احوال زبان و دستاورد اهل زبان در نظم و نثر دوره‌های مختلف و بررسی علل سقوط و صعود و تاریخ نویسندگان و شاعران برجسته و زبان‌شناسی و نقد آثار، بیان تأثیر و تأثر آنان در اندیشه و سبک می‌پردازد. (زیات، ۱۹۷۹: ۳) در عصر جدید کتاب‌هایی که در زمینه‌ی تاریخ ادبیات عرب، تألیف و یا تدوین شده است، افزایش یافته‌اند. به طبع نویسندگانی هم‌چون فیصل شکری، حسین الواد و سید حسین سیدی به بررسی و بیان محتویات کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی پرداخته و نسبت به بیان شیوه‌های نگارشی و سیر تحولات و عوامل مؤثر بر این تغییرات مطالبی را بیان می‌نمایند. یکی از عوامل تأثیرگذار در تاریخ ادبیات نگاری ادب عربی پیدایش خاورشناسان است که احمد اسماعیل لویچ در اثر خود به آن پرداخته است. یکی از نکات مهم که در تاریخ ادبیات عرب از پژوهش کافی بهره‌ای نبرده است، واکاوی در خصوص این نوع کتاب‌ها است و به بررسی کتاب‌های تاریخ ادبیات پرداخته‌اند که موضوع اصلی این پژوهش است.

۲-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش:

ضرورت نیاز به داشتن تاریخ ادبیات در تمامی زبان‌ها و در میان همه ملت‌ها امری بدیهی است. پدیده‌های ادبی در گذر تاریخ، عناصر و شاخص‌های عمده هویت هر ملتی هستند. واکاوی و تحلیل در خصوص کتاب‌هایی که به نقد و بیان محتوی کتاب‌های تاریخ ادبیات عرب می‌پردازد و هم‌چنین بیان نقاط قوت و ضعف این‌گونه کتاب‌ها منجر به تعیین ارزش آن‌ها شده و ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۱ پرسش‌های پژوهش:

این پژوهش سعی دارد تا در خلال مطالب به پرسش‌های زیر پاسخ دهد.
هدف مؤلف از نگارش کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی چیست؟
تعیین خط سیر ادبیات عرب در کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی چگونه است؟
مزایا و کاستی‌های کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی چیست؟
آیا تکیه بر کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی به‌عنوان منبعی برای آشنایی پژوهشگران با کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی با توجه به محتویات آن دچار چالش نخواهد بود؟

۴-۱ پیشینه بحث:

در مورد بررسی کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی، حسین الواد کتاب فی تاریخ الادب مفاهیم و مناهج و فیصل شکری کتاب مناهج الدراره الادبیه فی الادب العربی را نگاشته‌اند، هم‌چنین مقاله‌ای توسط آقای سیدی تحت عنوان تحلیل انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در سال ۱۳۸۹ انتشار یافته است. دادخواه تهرانی و فاطمه سعدونی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان روش‌های «تاریخ‌نگاری ادبی» نزد نویسندگان معاصر عرب به شیوه تاریخ ادبیات نگاری معاصر پرداخته‌اند. با توجه به این‌که تاکنون کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی مورد واکاوی قرار نگرفته در این جستار سعی شده به بررسی زوایای این کتاب و مقایسه آن با کتاب‌های مشابه اقدام گردد.

۱-۵ روش پژوهش:

در این پژوهش ابتدا برای گردآوری معلومات و تحلیل از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای استفاده شده است و پس از جمع‌آوری مطالب با روش تطبیق و مقایسه نسبت به بررسی و مقایسه اثر دکتر سیدی با آثار موجود اقدام شده است. قبل از وارد شدن در بحث با توجه به موضوع مدنظر که تاریخ ادبیات است، به تعاریف و پاره‌ای از مشکلات نگارش تاریخ ادبیات که در آثار تاریخ ادبی به چشم می‌آید، اشاره می‌شود.

۲- مبانی نظری

۱-۲ مفهوم ادبیات

دکتر زرین کوب معتقد است ادبیات عبارت است از: «تمام ذخایر و مواریث ذوقی و فکری اقوام و امم عالم که مردم در ضبط و نقل و نشر آن‌ها اهتمام کرده‌اند و آن آثار را در واقع لایق و درخور این مایه سعی و اهتمام خویش شناخته‌اند. این میراث ذوقی و فکری که از رفتگان بازمانده است و آیندگان نیز همواره بر آن چیزی خواهند افزود؛ و خلاصه این میراث ذوقی که همواره موجب استفاده و تمتع و التذاذ اقوام و افراد جهان خواهد بود» (زرین کوب، ۱۳۶۱، ۱:۱۸).

۲-۲ مفهوم تاریخ

واژه یونانی «Historia» چندین معنا داشت. مهم‌ترین آن‌ها «پژوهش» بود و بعد «دانش»، «علم»، «شرح نوشتاری پژوهش‌ها»، «گزارش»، «روایت تاریخ رویدادها». خود این واژه یونانی ریشه در کلمه Historein داشت؛ به معنای «پژوهش» و «کشف». واژه یونانی از راه واژه لاتین به تمامی زبان‌های اروپایی وارد شد. تاریخ را به فرانسوی «Historie» به ایتالیایی «Stoira» به انگلیسی «History» و به روسی «Istorija» می‌گویند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۳)

۳-۲ مفهوم تاریخ ادبیات

آغاز شکل‌گیری تاریخ ادبی، با شروع اندیشه ثبت اطلاعات مربوط به آفرینندگان آثار ادبی است؛ از زمانی که آثار ماندنی بر ذهن انسان‌ها تأثیر گذاشته، نیاز به گردآوری و ضبط اطلاعات تاریخی درباره‌ی پیدایش، تولید و تحول آن‌ها احساس شده است. «اگر در یک مفهوم تساهل آمیز همین ثبت و ضبط نام‌ها و اطلاعات کلی راجع به نویسندگان و شاعران و آثار آن‌ها را تاریخ ادبیات بدانیم در آغاز راه، اغلب تاریخ‌های ادبی، عبارت بود از توده‌ای از شرح‌حال‌ها و اطلاعات کتاب‌شناختی و مخازنی عظیم از مواد و اطلاعات خام و بعضاً مشکوک درباره آثار ادبی و هنرمندان» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۴۳)

۴-۲ مشکلات نگارش تاریخ ادبیات

وسعت دامنه کاری به پهنای حکومت اسلامی و کشورهای عربی، مانع آن می‌شود که هر نویسنده‌ای به‌تنهایی بتواند تاریخ ادبیات قابل‌اعتمادی برای خواننده به نگارش درآورد. ازدیاد انتظارات از کتاب‌های تاریخ ادبیات، سطح توقعات را از نویسنده تاریخ ادبیات بیشتر کرده است. معمولاً از یک اثر تاریخ ادبی انتظار می‌رود که حاوی زندگی‌نامه‌های معتبر، نقد و ارزیابی، سبک‌شناسی و شناخت فردیت هنری، جریان‌سنج و ... باشد.

بسیاری از مسائل ناشناخته در تاریخ ادبیات، در متن‌های ناشناخته وجود دارد که باید مورد دقت و تحقیق قرار گیرد. بسیاری از نسخه‌های خطی که حاوی اطلاعات دقیق درباره جریان‌های ادبی به‌خصوص در عصر انحطاط است، هنوز بدان پرداخته نشده است. هم‌چنین در خصوص اشکال مختلف ادبیات فولکلوریک و عامیانه توجه شایانی به آن نشده است.

به دلیل عدم واکاوی در تمامی متون، بسیاری از حوادث مشهور تاریخ ادبی از منابع اصلی استخراج نشده‌اند، درحالی‌که اگر متن‌های اصلی و نوشته‌ها و آثار خود مؤلفان خوانده شود اطلاعات تاریخی بسیار دقیقی به دست می‌آید که بسیاری از قضاوت‌ها را درباره مؤلفان تغییر می‌دهد.

به دلیل نگاه کمال‌گرا در پژوهش‌های ادبی، شخصیت‌های کم‌اهمیت‌تر و آثار آن‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. نویسندگان کتاب‌های تاریخ ادب به شاعران بزرگ و متن‌های ادبی شاخص توجه بیشتری دارند. لذا دوره‌هایی که بانام عصر انحطاط معرفی شده‌اند مثل دوره ممالیک و دوره عثمانی، به دلیل غلبه همین نگاه کمال‌گرا، چندان مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته‌اند.

۲-۵ معرفی اثر

دکتر سیدحسین سیدی کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی را در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات سخن در تهران در ۲۹۵ صفحه تألیف کرده است. موضوع کتاب همان‌طور که از عنوان آن پیدا است بررسی نقد گونه تاریخ ادبیات نویسی در زبان عربی است. نویسنده این کتاب را در چهارفصل تألیف نموده است. فصل اول شامل کلیات، تعاریف، کارکردها، مفاهیم تاریخ، ادبیات و نظریه‌های ادبی و نقدی است. فصل دوم شامل نظریه‌های ادبی و رویکردهای موجود در تاریخ ادبیات نگاری است. فصل سوم شامل تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی، پیشینه و رویکردهای آن است. فصل چهارم کتاب در خصوص خاور شناسان و تاریخ ادب عربی و مسائل مربوط به آن است.

۲-۶ بررسی و واکاوی ظاهر اثر

در بررسی ظاهری اثر نکات قابل توجه زیرنمایان می‌گردد.

-در خصوص کیفیت فنی و ظاهری اثر از نظر طرح جلد، رنگ و کاغذ استفاده‌شده در کتاب باید عنوان نمود که کیفیت اثر در حد معمولی است.

-در روی جلد نام اثر و نام مؤلف نگارش یافته در صفحات ابتدایی کتاب مشخصات آن شامل سرشناسه، عنوان مشخصات نشر، شابک، موضوع، رده‌بندی کنگره، رده‌بندی دیویی، شماره کتاب‌شناسی ملی آدرس انتشارات، نوبت چاپ، مرکز پخش و قیمت نمایان است.

-فهرست مطالب کتاب شامل ۴ صفحه است که به بیان تیتروهای داخل متن اشاره دارد.

۲-۷ ایرادات

عدم هم‌خوانی تیترها و شماره صفحات در کتاب دیده می‌شود برای مثال در فهرست کتاب شماره صفحه برای تیتر (اصول روشی در رویکرد جدید) صفحه ۲۵۵ در فصل چهارم کتاب می‌باشد در صورتی که متن اصلی در صفحه

۲۵۰ و فصل سوم ذکر شده است.

وجود غلط‌های چاپی، برای مثال صفحه ۲۱۱ خط ۱۳ (در مصر به‌عنوان دوره ادبی جدی پذیرفته است) که صحیح آن دوره ادبی جدید است؛ و همچنین در صفحه ۱۷۳ در خط ۱۷ این نجیم ذکر گردیده است که صحیح آن ابن منجم است.

وجود اشتباه در ترتیب شماره‌گذاری برای مثال در صفحه ۲۱۴ و ۲۱۳ در بخش رویکرد سنتی دو بار پشت سر هم از عدد ۴ در شمارش این رویکردها استفاده شده است.

از برخی اشکالات فنی کتاب از جمله عدم همخوانی تیتراها و شماره صفحات، وجود غلط‌های چاپی، اشتباه در ترتیب شماره‌گذاری که چشم‌پوشی شود عمده‌ترین مسائلی که ضرورت دارد که به آن‌ها اشاره شود از این‌قرار است. عدم ارجاع مطالب کتاب به منابع اصلی که از آن‌ها استفاده شده، در این خصوص در بخش بررسی محتوایی کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی به‌طور کامل به آن‌ها اشاره می‌شود.

استفاده از ارجاعات داخل متن کتاب‌هایی که حتی بعضاً به خود این کتاب‌ها نیز اشاره نشده مثل کتاب فلسفه الإستشراق وأثرها فی الأدب العربی المعاصر تألیف احمد اسماعیل لویج.

وجود اشتباه در ارجاع صفحات کتاب به‌عنوان مثال در پاورقی صفحه ۲۶۸ به صفحه ۲۰۴ کتاب نالینو ارجاع گردیده که در اصل صفحه آن در منبع اصلی ۱۰۴ است.

عدم هم‌خوانی در ارجاع صفحات کتاب با منابع استفاده‌شده برای مثال در صفحه ۵۲ کتاب آقای سیدی به صفحه ۳۵ کتاب رساله‌ی تاریخ جستاری در هرمنوتیک تاریخ اثر بابک احمدی ارجاع شده است که اصلاً در صفحه ۳۵ کتاب منبع چنین موردی یافت نشد.

آوردن جملات تکراری در متن کتاب برای مثال در صفحه ۱۸۷ و ۱۸۸ در خصوص دیدگاه زیدان مبنی بر تقسیم‌بندی کتاب خود مجدداً همان مطلب را در صفحه ۲۲۱ عنوان می‌نماید.

استفاده از ۱۰۵ منبع در فهرست منابع و البته ذکر منابع دیگر در زیرنویس صفحات کتاب، باینکه تعداد منابع زیادی در کتاب وجود دارد ولی عدم جمع‌آوری کلی آن در بخش منابع خواننده را دچار سردرگمی می‌کند.

عدم اعراب‌گذاری و ترجمه آیات، روایات و ابیات استفاده‌شده در متن کتاب.

اثر از حیث حروف‌نگاری با توجه به ریز بودن حروف‌نگاری باعث خستگی خواننده می‌شود.

صحافی کتاب محکم نبوده، با توجه به حجم کتاب از جهت قطع مناسب نیست.

۲-۸ بررسی محتوایی اثر

هدف نویسنده از نگارش کتاب آن‌طور که بیان می‌کند (در این بررسی می‌کوشیم ضمن طرح پرسش‌هایی به‌نقد تاریخ ادبیات نگاری در حوزه زبان و ادب عربی بپردازیم) می‌باشد. (سیدی، ۱۳۸۹: ۱۲) مطالب نگارش یافته در فصل اول بر مبنای کتاب‌های موجود در این حیطه است. از جمله کتاب‌های نظریه تاریخ ادبیات اثر محمود فتوحی، نظریه ادبی اثر جانان‌تازان کالر، نظریه ادبیات اثر رنه ولک و وارن آوستین، درآمدی بر فلسفه تاریخ اثر مایکل استنفورد نظریه و تاریخ در ترازو اثر عبدالحسین زرین‌کوب و... که ادبیات ترجمه‌شده خارجی و کتاب‌های داخلی پیرامون نظریه‌های تاریخ ادبیات، نقد ادبی و فلسفه تاریخ در این بخش استفاده شده است.

این بخش در ۸۳ صفحه تألیف شده است که ۷ صفحه از آن به منبعی ارجاع نگردیده یعنی بیش از ۹۰ درصد صفحات آن ارجاع به کتاب‌های مختلف است و به بیان نقل قول‌ها در این زمینه اشاره دارد و به نظر می‌رسد گزیده‌ای از نظریات نویسندگان کتاب‌های مرجع در آن جمع‌آوری شده است. از جمله این نظریه‌پردازان می‌توان به محمد مندور، طه حسین، عزالدین اسماعیل، عبدالحسین زرین‌کوب، محمود فتوحی، رنه ولک (René Wellek)^۱، جاناتان کالر^۲ (Jonathan Culler)، کارل بروکلمان^۳ (Carl Brockelmann)، مایکل استنفورد (Michael Stanford)^۴، رابرت اسکولز^۵ (Robert Scholes)، دیوید دیچز^۶ (David Daiches)، لوسین گلدمن^۷ (Lucien Goldman)، تری ایگلتن^۸ (Terry Eagleton) و ... اشاره نمود.

به نظر می‌رسد در فصل اول بیشتر رویکردها و نظریه‌های ادبی، نقد و تاریخ ادبیات به تاریخ ادبیات جهان میل داشته و تاریخ ادبیات عربی که نویسنده در پی بررسی انتقادی آن است در این فصل به جایگاه خود نرسیده است. بخش عمده این فصل نقل قول‌ها و تعاریف است که تناسب چندانی با عنوان اصلی کتاب ندارد. با توجه به نقل قول‌های موجود، نویسنده حضور پررنگ در متن کتاب ندارد و متأسفانه در انتهای هر فصل و هم‌چنین در انتهای کتاب به جمع‌بندی کلی پرداخته است.

در فصل دوم کتاب مؤلف به بررسی نظریه‌ها و رویکردهای تاریخ ادبیات نگاری پرداخته است. در این بخش علاوه بر نقل قول‌ها از کتاب‌های نظریه‌های ادبی و کتاب‌های تاریخ هم‌چون ادبیات پیش درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی اثر راجر وبستر، نظریه تاریخ ادبیات اثر محمود فتوحی، تاریخ نقد جدید اثر رنه ولک، شعر عربی در عهد جاهلی اثر کارل بروکلمان، تاریخ آداب اللغة العربیه اثر جرجی زیدان، تاریخ الادب العربی اثر احمد حسن زیات و ... نیز استفاده شده است. مؤلف کتاب در ادامه این فصل به تبیین دیدگاه و رویکردهای موجود از جمله رویکرد هرمنوتیکی، رویکرد کارکردگرا، رویکرد فرهنگی و رویکرد ایدئولوژیک می‌پردازد سپس وارد دوره بندی تاریخ ادبیات شده و مباحثی در خصوص دوره بندی و الگوهای موجود دوره بندی را بیان می‌نماید.

با دقت نظر در صفحات این بخش و موضوعات چالشی و تازه و بکر عنوان شده پیرامون خلأ میان دوره‌های تاریخ ادبیات و ویژگی‌های دوره ادبی که از جمله نکات مهم و قابل تأمل این کتاب است و به نوعی اشاره به ضعف عمده موجود در کتب تاریخ ادبیات می‌نماید، درمی‌یابیم که مؤلف بدون رعایت اصل امانت‌داری مطالبی را بدون ذکر منبع عیناً از کتاب فی تاریخ الادب مفاهیم و مناهج اثر آقای حسین الواد بیان می‌دارد برای مثال. حسین الواد در صفحه ۱۵۱ کتاب خود فی تاریخ الادب مفاهیم و مناهج عنوان می‌کند:

«الفراق بین العصور: درج مورخو الآداب حسب هذا المنهج علی ابقاء فترات الانتقال من عصر الی عصر غامضه شدید الغموض فهم کثیرا ما يتحدثون عن الانتقال من عصر سیاسی الی عصر سیاسی آخر علی سبیل التمهید لتاریخ الادب فیها، ولكنهم لا یذکرون شیئاً لا عن انتقال الآداب من عصر الی عصر و لا عن عوامل ذلک و اسبابه...»

سیدی در صفحه ۱۵۸ کتاب خود بررسی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی چنین عنوان می‌نماید:

۲-۸-۱ خلأ بین دوره‌ها

چنان‌که دیدیم تاریخ ادبیات نگاران عرب بر اساس این روش در انتقال از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر سخت مبهم عمل کرده‌اند. آن‌ها با توجه به انتقال از دوره‌ای به دوره دیگر از حیث سیاسی که مقدمه‌ای بوده است برای ورود به

بحث تاریخ ادبیات، به عوامل تأثیرگذار دوره‌های سیاسی اشاره می‌کردند ولی به عوامل انتقال از دوره‌ای به دوره دیگر در حوزه ادبیات نمی‌پرداختند...

در جای دیگر حسین الواد در صفحه ۱۴۱ کتاب خود فی تاریخ الادب مفاهیم و مناہج عنوان می‌کند: «عدد العصور: لعل اول قضیة تسترعی الانتباه من قضایا العمل بهذا المنهج فی تاریخ الادب هی تلك التي تتمثل فی عدم اتفاق المورخین علی عدد العصور الادبیة. فقد اخذ زیدان و الزیات بمنهجیة التقسیم الی عصور مثلما اخذ بها مستشرقون کثیرون، ولكن عدد عصور تاریخ الادب العربی لم یرد واحدا عندهم. فهذا العصور ثمانية عند زیدان و هی خمسة عند الزیات.»

سیدی در صفحه ۱۵۸ کتاب خود بررسی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی چنین عنوان می‌نماید: «گاه در تعداد این دوره‌ها نیز اختلاف دارند. مثلاً زیدان آن را به هشت دوره تقسیم‌بندی می‌کند حال آنکه زیات آن را به پنج دوره. این نویسندگان در اختصاص مطالب کتاب به این دوره‌ها نیز اختلاف دارند. ظاهراً مورخان ادبی عرب دوره بندی را از خاورشناسان وام کرده‌اند.»

در جای دیگر حسین الواد در صفحه ۱۴۶ کتاب خود فی تاریخ الادب مفاهیم و مناہج عنوان می‌کند: «ان عدم التوافق بین العصور الادبیة و العصور السیاسیة قد اضطر المورخین الی جعل عصرین سیاسیین او اکثر عصرأ ادبياً واحداً تارةً و الی جعل العصر السیاسی الواحد عصورأ ادبیة عدة تارةً اخرى»

سیدی در صفحه ۱۵۷ کتاب خود بررسی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی چنین عنوان می‌نماید: «به همین روی عدم تطابق میان دوره‌های ادبی و سیاسی موجب شد گاه دو دوره سیاسی را به یک دوره ادبی و یک دوره سیاسی را به چند دوره ادبی تقسیم نمایند.»

در جای دیگر حسین الواد در صفحه ۱۴۸ کتاب خود فی تاریخ الادب مفاهیم و مناہج عنوان می‌کند: «فقد جعل الاحداث السیاسیة الکبری معالم تفصل بین العصور السیاسة و الادبیة لأن الانقلاب السیاسی و الاجتماعی یحدث انقلاباً فی العقول و الافکار فیظهر ذلك فی آداب اللغه.»

سیدی در صفحه ۱۵۷ کتاب خود بررسی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی چنین عنوان می‌نماید: «به نظر زیدان، در حوادث بزرگ سیاسی موجب تفکیک بین دوره‌های سیاسی و ادبی می‌گردد، چون انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی موجب انقلاب در اندیشه می‌گردد که در ادبیات زبان خود را نشان می‌دهد.»

مطالب دیگری که از کتاب آقای حسین الواد در این بخش آمده به شرح جدول ذیل می‌باشد:

کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی	کتاب فی تاریخ الادب مفاهیم و مناہج
صفحه ۱۵۷ و ۱۵۸	صفحه ۱۴۹
صفحه ۱۵۸ و ۱۵۹	صفحه ۱۵۲
صفحه ۱۵۹	صفحه ۱۵۲ و ۱۵۳
صفحه ۱۵۹ الی ۱۶۱	صفحه ۱۵۴ الی ۱۵۶

لازم به ذکر است کتاب فی تاریخ الادب مفاهیم و مناهج اثر آقای حسین الواد پیرامون شیوه‌های تاریخ ادبیات نگاری نوشته شده و همان‌طور که مؤلف عنوان می‌کند مصادر کتاب الواد شامل چهار کتاب تاریخ آداب اللغة العربی اثر جرجی زیدان، تاریخ آداب العرب اثر مصطفی صادق الرافعی، تاریخ الادب العربی اثر احمد حسن الزیات و فی الادب الجاهلی اثر طه حسین است.

آقای حسین الواد در کتاب خود به مفاهیمی چون ادبیات، مفهوم انعکاس، ادبیات و اجتماع، ادیب، تاریخ ادبیات و هدف از تاریخ ادبیات پرداخته است. همچنین به روش‌ها و شیوه‌های تاریخ ادبیات نگاری از جمله روش تاریخ ادبیات نگاری بر پایه تقسیم عصور، تعداد این عصرها، مرز میان این عصرها، خلاء بین این عصرها و ویژگی این عصرهای ادبی پرداخته است. سپس به شیوه تقسیم ادبیات بر پایه اغراض اشاره می‌کند و به مزایا و مستندات آن می‌پردازد. بعد از آن پیرامون شیوه تقسیم ادبیات بر پایه مکاتب و مزایا و مستندات این شیوه در کتاب خود مطالبی را بیان می‌کند. در بخش دیگر کتاب با آوردن مثال در خصوص هر یک از این شیوه‌ها و کتاب‌های مربوط به آن شیوه، مطالبی را پیرامون تحلیل نظریه‌های خود ارائه می‌دهد. برای مثال برای شیوه تقسیم‌بندی ادبیات بر پایه عصرها به کتاب زیدان و زیات اشاره می‌کند (شکری، ۱۹۷۸: ۱۴۰) و در قسمت شیوه تقسیم‌بندی بر پایه اغراض به کتاب رافعی و مطالب عنوان شده در کتاب رافعی می‌پردازد (شکری، ۱۹۷۸: ۱۶۳). برای شیوه تقسیم‌بندی ادبیات بر پایه مکاتب نیز به کتاب طه حسین و مطالب آن اشاره می‌کند (شکری، ۱۹۷۸: ۱۷۶). در خاتمه کتاب هم به قضایای مفهومی و منهجی و افق‌های آینده ادبیات شامل مظاهر ادبیات، متون ادبی و مؤلفان می‌پردازد.

در فصل سوم کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی آقای سیدی به بیان تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی پرداخته است و مطالبی پیرامون سیر تحول تاریخ ادبیات نویسی بیان می‌دارد. پیشینه تاریخ ادبیات نگاری که با نوشتن کتاب‌های طبقات شعرا شروع می‌گردد و کتاب‌های شرح حال نویسی در ادامه آن پدید می‌آید مورد بررسی آقای سیدی قرار گرفته و به ذکر آنان می‌پردازد. بعد از آن به بیان تاریخ ادبیات نگاری در دوران جدید پرداخته و به انواع آن اشاره می‌کند. در این بخش نیز می‌بینیم مطالبی از کتاب حسین الواد بدون رعایت اصل امانت‌داری بیان می‌شود که در جدول ذیل ارائه شده است.

کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی	کتاب فی تاریخ الادب مفاهیم و مناهج
صفحه ۱۷۳	صفحه ۱۴۷
صفحه ۱۸۷	صفحه ۳۱
صفحه ۱۸۸	صفحه ۳۱

آقای سیدی در ادامه فصل سوم کتاب خود به پیشینه تاریخی ادبیات نگاری در ادب عربی و رویکردهای موجود و نقد این رویکردها می‌پردازد. در این بخش نیز از مطالب و تیتراهای کتابی تحت عنوان مناهج الدراسه الادبیه فی الادب العربی تألیف فیصل شکری استفاده شده است. برای مثال آقای فیصل شکری در صفحه ۱۲ کتاب خود این‌گونه عنوان می‌کنند که: التاريخ الادبی فی الثقافة العربیة:

و المكتبة العربیة لم تعرف تاریخ الادب العربی بهذا المعنی الذی نفهمه نحن الیوم... ولكنه تفهم هذا التاريخ

على هذه الصورة التي نجدها في الأغاني مرة و في كتب الأمالي مرة و في العقد الفريد و صبح الاعشى مرة ثالثة؛ و تفهمه كذلك على هذه الصور الأخرى التي نجدها في كتب الموازنة و الوساطة طوراً و في كتب الطبقات و التراجم طوراً آخر، و في موضوعات اللغة و التاريخ طوراً ثالثاً... و هي _ او اكثر_ في ذلك كله تصدر عن أصلين اثنين: اولها أنها كانت تنظر النظرة الجزئية فهي تدرس الشاعر او الناثر وحده و... والأصل الثاني الذي تصدر عن هذه المخلفات الأدبية أنها، في اكثرها، قاصرة الدلالة، قريبة النظرة، ضيقة النطاق فهي لا تعنى بهذا الأدب الذي غناه الشعراء لأنفسهم فكان نجوى نفوسهم و ذوب أفئدتهم بمقدار ما تعنى بهولاء الذين كانوا يعيشون ندامى لأصحاب السلطان و...»
 آقای سیدی در صفحه ۲۰۷ و ۲۰۸ کتاب خود این مطلب را بدون ذکر منبع عنوان می کند.

۲-۸-۲ رویکرد سنتی

در رویکرد سنتی عرب که در آثاری چون اغانی، امالی، عقد الفريد، صبح الاعشى و حتی کتاب‌هایی که نگرش انتقادی داشته‌اند فی‌المثل الموازنة، الوساطه و کتاب‌های طبقات و تراجم_ که قبلاً از آنها صحبت شده است_ تاریخ ادبیات به معنای امروز مطرح نبوده است. تمام این آثار و اساساً این رویکرد برآمده از دو اصل است. الف_ جزئی‌نگری: یعنی بررسی شاعر و نویسنده در یکی از نمونه‌های شعری اش و... ب_ نگاه محدود و بسته: منظور آن است که مورخان ادبی به ادبیاتی که شاعران آنها را برای دل خود سروده‌اند توجه نمی‌کنند بلکه بیش‌تر به چیزهایی توجه می‌شود که در رابطه با دربار و سلطان سروده شده‌اند...»

همان‌طور که ملاحظه شد آنچه مؤلف ارجمند کتاب آورده عیناً مطالبی است که فیصل شکری در کتاب مناهج الدراسة الادبیه فی الادب العربی به آنها اشاره کرده است بدون ذکر منبع و ارجاع به منبع اصلی.
 مطالب دیگری که از کتاب مناهج الدراسة الادبیه فی الادب العربی بدون ذکر منبع در کتاب آقای سیدی آورده شده به شرح جدول ذیل است که به آن اشاره می‌کنیم که خوانندگان محترم می‌توانند به آن مراجعه کنند.

کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی	کتاب مناهج الدراسة الادبیه فی الادب العربی
صفحه ۱۸۷	صفحه ۴۶
صفحه ۱۸۸	صفحه ۴۹
صفحه ۲۰۷	صفحه ۱۲
صفحه ۲۰۸	صفحه ۱۳ و ۱۶
صفحه ۲۰۹	صفحه ۱۷
صفحه ۲۱۰	صفحه ۱۸ و ۱۹ و ۲۰
صفحه ۲۱۱	صفحه ۲۲
صفحه ۲۱۶ الی ۲۱۹	صفحه ۵۷ الی ۶۲
صفحه ۲۲۱	صفحه ۷۴ و ۷۶ و ۷۷
صفحه ۲۲۲	صفحه ۷۷ و ۷۸ و ۷۹
صفحه ۲۲۳	صفحه ۷۹ و ۸۰

صفحه ۸۱	صفحه ۲۲۴
صفحه ۹۰ و ۹۲ و ۹۳	صفحه ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸
صفحه ۱۰۰	صفحه ۲۲۹
صفحه ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲	صفحه ۲۳۰
صفحه ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۶ الی ۱۱۴	صفحه ۲۳۱
صفحه ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵	صفحه ۲۳۲
صفحه ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸	صفحه ۲۳۳ و ۲۳۴
صفحه ۱۶۱	صفحه ۲۳۵
صفحه ۱۷۶	صفحه ۲۳۹
صفحه ۱۸۵	صفحه ۲۴۰
صفحه ۱۳۴ و ۱۳۵	صفحه ۲۴۴
صفحه ۱۳۸ الی ۱۴۰	صفحه ۲۴۵
صفحه ۱۴۳	صفحه ۲۴۶
صفحه ۲۲۳	صفحه ۲۴۹
صفحه ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۹	صفحه ۲۵۰
صفحه ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲	صفحه ۲۵۱
صفحه ۲۳۴	صفحه ۲۵۲

از دیگر نکاتی که می‌توان از بررسی و مقایسه دو کتاب آقای سیدی و آقای فیصل شکری عنوان نمود انتقال ناقص مطالب از کتاب آقای فیصل شکری توسط آقای سیدی هست. برای مثال در صفحه ۲۱۹ و ۲۲۰ کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی به ۸ مورد از نظریات آقای امین خولی پیرامون نقد تقسیم‌بندی دوره‌ها اشاره می‌کند اما آقای فیصل شکری به ۹ مورد و به صورت کامل این نظرات را بیان می‌دارد. همچنین در صفحه ۲۳۸ و ۲۳۹ در خصوص دیدگاه معاصران به دیدگاه احمد اسکندی، جرجی زیدان، احمد حسن زیات و طه حسین اشاره دارد در صورتی که آقای فیصل شکری در صفحه ۱۷۵ کتاب خود علاوه بر نظرات نویسندگان فوق‌الذکر به دیدگاه آقای دکتر احمد ضیف نیز اشاره می‌کند.

موضوع کتاب مناهج الدراسه الادبیه فی الادب العربی تألیف فیصل شکری روش پژوهش‌های ادبیات عربی است. هدف کتاب آن‌گونه که نویسنده بیان می‌دارد عبارت‌اند از پژوهش در روش‌های تحقیق در ادب عربی و راه‌هایی که بر این پژوهش‌های ادبی غلبه داشته‌اند و ارائه نظریاتی که در ادب عربی حکم می‌کنند و همچنین آزمایش میزان قدرت این روش‌ها و آزمون سلامتی و درستی این نظریات و شناخت بهره‌های آن از درستی این روش‌ها و ضرر آن از خطاهای این روش‌ها است. (شکری، ۱۹۷۸: ۱)

دلایل نوشتن کتاب مناهج الدراسه الادبیه فی الادب العربی آن‌گونه که نویسنده بیان می‌دارد پاسخ به سؤالاتی هم‌چون: آیا ما مطمئن هستیم که این راه که مورخان تلاش دارند بین پژوهش ادبی و حوادث زمانی و روابط بین

ادبیات و سیاست را بیان کنند درست است؟ آیا ما می‌توانیم در پژوهش ادبی روابط بین تقسیمات که بین ادبیات و سیاست است را بیان کنیم؟ آیا راه دیگری وجود دارد که در پژوهش ادبی روشنی و وضوح بیشتری را بیان کند؟ و هم‌چنین بیان سؤالاتی دیگر از جمله چگونه ما می‌توانیم بین عصر اموی و عصر عباسی فرق بگذاریم؟ چگونه عصر عباسی را تقسیم کنیم؟ آیا خصایص فنی همگام با حوادث زمانی هستند؟ و... (شکری، ۱۹۷۸: ۲)

خط کلی کتاب *مناهج الدراسه الادبیه فی الادب العربی* ارائه، نقد و پیشنهاد در خصوص نظریه‌های تاریخ ادبیات می‌باشد که در ذیل به نظریات موجود در کتاب اشاره می‌کنیم.

۱-النظریه المدرسیه، ۲- نظریه جدید، ۳- نظریه الفنون الادبیه، ۴-نظریه الجنس، ۵- نظریه الثقافات، ۶- نظریه المذاهب الفنیه، ۷- النظریه الاقلیمیة و ۸- منهج جدید.

آقای فیصل شکری در نگارش این کتاب از نظریه‌ها، دیدگاه و کتاب‌های اساتیدی چون جرجی زیدان، طه حسین، احمد امین، امین خولی، شوقی ضیف، حسن توفیق عدل، احمد اسکندری و احمد حسن زیات و ... استفاده کرده است.

آقای سیدی در فصل چهارم و پایانی به بحث پیرامون خاورشناسان و تاریخ ادبی عربی پرداخته و علل توجه خاورشناسان و ابزار و حوزه‌های تأثیر خاورشناسی و دستاوردهای آنان بر ادبیات معاصر عرب اشاره دارد.

مطالب و تیتراهای فصل چهارم نیز مانند فصل دوم و سوم از مطالب و تیتراهای یک کتاب دیگر به نام فلسفه الإستشراق وأثرها فی الأدب العربی المعاصر تألیف احمد اسماعیل لوویچ گرفته شده است برای مثال آقای اسماعیل لوویچ در صفحه ۲۱۲ کتاب خود عنوان می‌کند: *خامساً_ النزعة السیاسیة:*

و تبدو و بارزة جداً فی محاولة الاستشراق: الاحاطة الشاملة بأهداف العرب الاجتماعیة و غایاتهم السیاسیة و ادراکاتهم و استراتیجیاتهم القومیة و غیرها من المعضلات و انتیج الادب الاستشراق فی هذا المجال و...»
آقای سیدی نیز در صفحه ۲۶۰ کتاب خود در این خصوص عنوان می‌کنند.

۲-۸-۳ خاستگاه سیاسی

هدف در این خاستگاه احاطه یافتن به مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مسلمانان و مردم مشرق زمین بوده است. شناخت اندیشه مسلمانان در حوزه سیاسی و تلقی آن‌ها از تغییرات سیاسی و اجتماعی و ...»

مطالب دیگری که از کتاب *فلسفه الإستشراق وأثرها فی الأدب العربی المعاصر* تألیف آقای احمد اسماعیل لوویچ توسط آقای سیدی در کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی بدون ذکر منبع استفاده شده است به شرح جدول ذیل ارائه می‌گردد.

کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی	کتاب <i>فلسفه الإستشراق وأثرها فی الأدب العربی المعاصر</i>
صفحه ۲۵۹	صفحه ۱۹۸
صفحه ۲۶۰	صفحه ۲۰۳ و ۲۰۶
صفحه ۲۶۰	صفحه ۲۰۹ و ۲۱۲
صفحه ۲۶۲ و ۲۶۱	صفحه ۲۱۹ الی ۲۲۴

صفحه ۲۶۳ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹	صفحه ۲۶۳
صفحه ۲۶۴ و ۲۳۹ و ۲۴۳ و ۲۴۷	صفحه ۲۶۴
صفحه ۲۶۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷	صفحه ۲۶۵
صفحه ۲۶۶ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱	صفحه ۲۶۶
صفحه ۲۶۷ و ۳۲۱ و ۳۲۲	صفحه ۲۶۷
صفحه ۲۶۸ و ۳۲۵ و ۳۲۷	صفحه ۲۶۸
صفحه ۲۶۹ و ۳۲۷ الی ۳۳۰	صفحه ۲۶۹
صفحه ۲۷۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲	صفحه ۲۷۰
صفحه ۲۷۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۶	صفحه ۲۷۱
صفحه ۲۷۲ و ۳۳۷	صفحه ۲۷۲
صفحه ۲۷۳ و ۴۹۰	صفحه ۲۷۳
صفحه ۲۷۵ و ۴۹۵	صفحه ۲۷۵
صفحه ۲۷۶ و ۵۴۴ و ۵۴۸	صفحه ۲۷۶
صفحه ۲۷۷ و ۵۴۹ و ۵۶۴ و ۵۶۵	صفحه ۲۷۷
صفحه ۲۷۸ و ۶۵۶ و ۵۶۷	صفحه ۲۷۸
صفحه ۲۷۹ و ۵۶۷ و ۵۷۲	صفحه ۲۷۹
صفحه ۲۸۰ و ۵۹۸	صفحه ۲۸۰
صفحه ۲۸۱ و ۵۹۹ و ۷۰۹	صفحه ۲۸۱
صفحه ۲۸۲ و ۷۰۹ و ۷۱۰	صفحه ۲۸۲
صفحه ۲۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۶	صفحه ۲۸۳
صفحه ۲۸۴ و ۶۸۷ و ۶۸۸	صفحه ۲۸۴
صفحه ۲۸۵ و ۶۹۳ و ۶۹۵	صفحه ۲۸۵

تقریباً ۵ صفحه فصل چهارم از کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی از کتاب فلسفه الإستشراق و أثرها فی الأدب العربی المعاصر نبوده و بقیه به صورت خلاصه ناقص از کتاب اسماعیل لویج برداشت شده است.

در این فصل نیز سیدی همانند فصل قبل مطالب انتقال یافته را به صورت ناقص در کتاب خود آورده است. برای مثال در صفحه ۲۵۹ سیدی اشاره به رویکردها و خاستگاه‌های خاورشناسی به ۴ گرایش اشاره دارد ولی آقای اسماعیل لویج به بیان و تشریح ۵ گرایش به صورت کامل اشاره می‌کند النزعة التحليلية در صفحه ۲۰۰ کتاب اسماعیل لویج را انتقال نداده‌اند. همچنین در بحث مکاتب خاورشناسی آقای سیدی در صفحات ۲۶۱ و ۲۶۲ به ۶ مکتب اشاره دارد در حالی که آقای اسماعیل لویج به ۷ مکتب اشاره کرده و پیرامون آن توضیح می‌دهد و در ادامه به

نام بردن از مکاتب دیگر پرداخته و به بیان و توضیح مکتب یوگسلاوی در صفحه ۲۲۵ اثر خود می‌پردازد که به نظر می‌رسد اصالت آقای اسماعیل لوییچ و آشنایی ایشان با این مکتب عامل بیان و تشریح مکتب یوگسلاوی در کتاب ایشان بوده است. از این گونه موارد انتقال ناقص می‌توان به صفحات ۲۷۲ و ۲۸۴ کتاب آقای سیدی که در صفحات ۳۳۷ و ۶۸۸ کتاب آقای اسماعیل لوییچ به صورت کامل آمده اشاره نمود.

مشکل دیگر کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی استفاده از ارجاعاتی است که در کتاب اسماعیل لوییچ آمده است. برای مثال در ذیل صفحه ۲۶۱ کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی به کتاب مصادر الدراسة الادبیة اثر یوسف اسعد داغر اشاره شده که در صفحه ۲۲۱ کتاب فلسفه الإستشراق و اثرها فی الأدب العربی المعاصر آقای اسماعیل لوییچ به آن ارجاع داده است.

کتاب فلسفه الإستشراق و اثرها فی الأدب العربی المعاصر تألیف آقای أحمد اسماعیل لوییچ در ۳ باب نگاهشده شده است که باب اول آن شامل ۵ فصل بوده و پیرامون مفهوم استشراق، حرکت استشراق، رابطه استشراق با استعمار، توجه استشراق به میراث عربی اسلامی و فلسفه استشراق بحث می‌نماید.

باب دوم آن نیز شامل ۵ فصل بوده و به بحث پیرامون ادبیات عرب در میان علمای استشراق و علمای عرب می‌پردازد، هم‌چنین به مناہج غربی عربی و علمای عربی و غربی آنان و مقایسه آنها می‌پردازد.

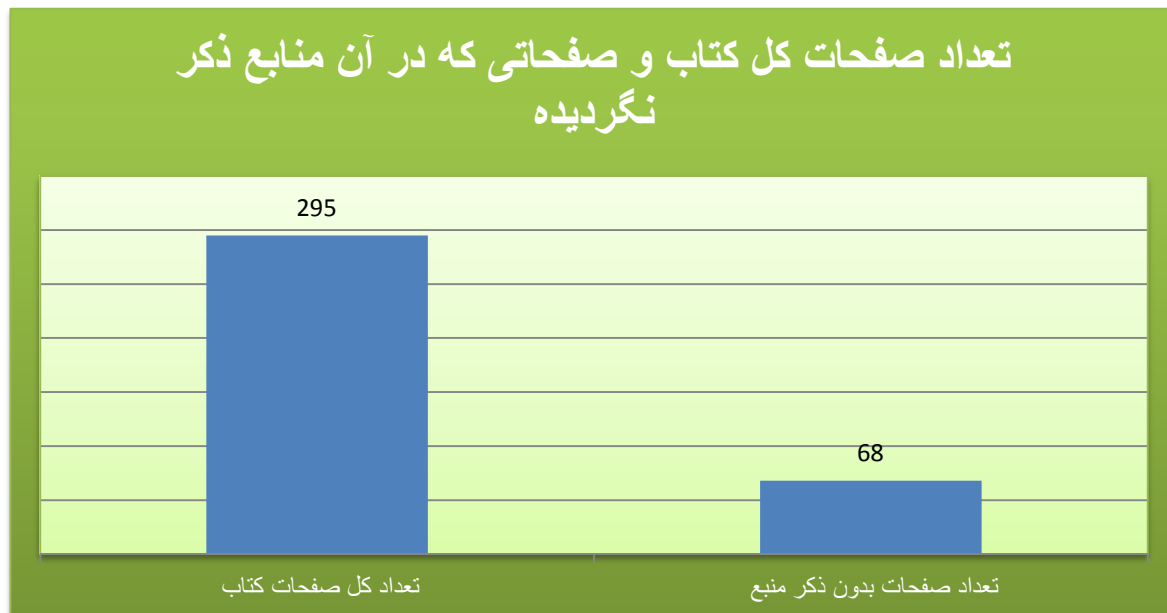
آقای اسماعیل لوییچ در باب سوم به اثرات استشراق در ادب عربی معاصر و اهتمام استشراق به ادب عربی و اثر آن در ادبیات عربی و وسایل این اثر و میدانها آن می‌پردازد و به مهم‌ترین مواردی که استشراق به ادب عربی افزوده است اشاره می‌کند.

۳- نتیجه‌گیری

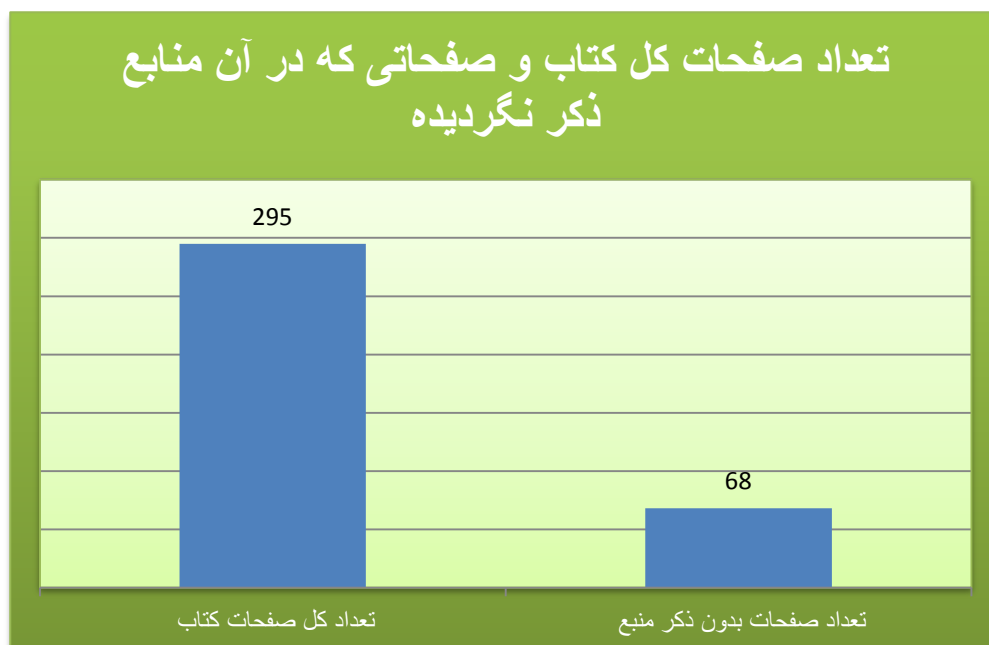
مابعد از شروع جنبش تاریخ ادبیات نگاری که با شروع نگارش کتاب‌هایی همچون طبقات الشعرا و شرح حال نویسی آغاز می‌گردد به تغییر در نوع نگارش کتاب‌های تاریخ ادبیات با الگوبرداری از مستشرقان می‌رسیم. تغییر در نوع نگارش کتاب‌های تاریخ ادبیات موجب دقت نظر بعضی از نویسندگان شده است که این امر مقدمه‌ای برای نگارش کتاب‌هایی شده که به بیان و بررسی نقدی کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی می‌پردازد. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی اثر آقای سیدی، کتاب مناہج الدراسة الادبیة فی الادب العربی اثر آقای فیصل شکری و کتاب فی تاریخ الادب مفاهیم و مناہج اثر آقای حسین الواد به عنوان رویکرد جدید در تاریخ ادبیات اشاره نمود. محتوی کتاب‌های نوشته شده به زبان عربی که به بررسی کتاب‌های تاریخ ادبیات می‌پردازند پخته‌تر و بایان تحلیلی و ذکر شواهد همراه است. حضور کتاب آقای سیدی در خصوص بررسی نقدی تاریخ ادبیات نگاری عربی قابل تحسین و تقدیر است، اما مشکلاتی در سبک نگارش و منابع ارجاعی آن وجود دارد که می‌بایستی اصلاح گردد. از جمله این اشکالات کتاب آقای سیدی در سبک نگارش وجود نوعی سردرگمی و عدم حضور قلم ایشان در متن کتاب است. کتاب بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی بیشتر نقل جملات، نظریات و نقدهای افراد صاحب نظر در این حیطه است.

اثر آقای سیدی جمع‌آوری مطالبی در خصوص تاریخ ادبیات نگاری از کتاب‌های مختلف بوده و با وجود این که در این اثر از نوآوری که زاینده قلم نویسنده باشد خبری نیست اما وجود چنین کتاب‌هایی مورد نیاز جامعه علمی است.

ترجمه و مطالعه کتاب‌هایی که در زمینه‌ی مفاهیم و مناهج تاریخ ادبیات عربی نگارش یافته به درک موضوعات تاریخ ادبیات کمک شایانی خواهد نمود که پیشنهاد می‌گردد در دستور کار اساتید و دانشجویان قرار گیرد.



نمودار تعداد صفحات استفاده‌شده در کتاب آقای سیدی بدون ذکر منبع



نمودار تعداد صفحات کل کتاب و تعداد صفحات بدون ذکر منبع در کتاب آقای سیدی

پی‌نوشت:

- ۱- René Wellek) منتقد چکی - آمریکایی که در سال ۱۹۹۵ درگذشت.
- ۲- Jonathan Culler) نظریه‌پرداز ادبی اهل کشور آمریکا.
- ۳- Carl Brockelmann) خاورشناس آلمانی که در سال ۱۹۵۶ درگذشت.
- ۴- Michael Stanford) تاریخ‌نویس.
- ۵- Robert Scholes) منتقد آمریکایی که در سال ۲۰۱۶ درگذشت.
- ۶- David Daiches) محقق و منتقد ادبی اسکاتلندی که در سال ۲۰۰۵ درگذشت.
- ۷- Lucien Goldmann) نظریه‌پرداز مارکسیست فرانسوی که در سال ۱۹۷۰ درگذشت.
- ۸- Terry Eagleton) نظریه‌پرداز ادبی بریتانیایی.

منابع و مأخذ

- ۱- اسماعیل لوییچ، احمد. (۱۹۹۸ م) فلسفه الإستشراق وأثرها فی الأدب العربی المعاصر. قاهره: دارالفکرالعربی.
- ۲- احمدی، بابک. (۱۳۸۷). رساله‌ی تاریخ، جستاری در هرمنوتیک تاریخ. تهران: نشر مرکز.
- ۳- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). نقد ادبی. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ۴- زیات، احمد حسن. (۱۹۸۵ م). تاریخ الادب العربی. بیروت: دارالثقافه.
- ۵- زیدان، جرجی. (۱۹۷۵ م). تاریخ آداب اللغه العربیه. مصر: دارالهلال.
- ۶- سیدی، سید حسین. (۱۳۸۹). بررسی تاریخ ادبیات نگاری در ادب عربی. تهران: انتشارات سخن.
- ۷- فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). نظریه تاریخ ادبیات. تهران: سخن.
- ۸- فیصل، شکری. (۱۹۶۵ م). مناهج الدراسه الادبیه، المکتبه العربیه، دمشق.
- ۹- نالینو، کارلو آلفونسو. (۱۹۵۴ م). تاریخ الآداب العربیه، قاهره: دار المعارف.
- ۱۰- الواد، حسین. (۱۹۹۳ م). فی تاریخ الادب مفاهیم و مناهج. بیروت: الموسسه العربیه.

مقالات:

- ۱- دادخواه تهرانی، حسن - سعدونی، فاطمه (۱۳۹۱). روش‌های ((تاریخ‌نگاری ادبی)) نزد نویسندگان معاصر عرب، مجله ادب عربی، ش ۱.
- ۲- سیدی، سیدحسین (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی تاریخ ادبیات نگاری، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۱۴.